

## بررسی اصطلاحات ادبی اردو\*

علی بیات

مربی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۴/۱۰/۲۷

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۱۱/۱۸

### چکیده

ادبیات زبان اردو از خوان گسترده‌ی بیشتر زبان‌ها استفاده کرده است. از آن جمله می‌توان زبان‌های فارسی، عربی، هندی، سنسکریت، پنجابی و در دوره‌های اخیر؛ زبان انگلیسی را نام برد. این زبان به طرق مختلف از این سرمایه‌های ادبی استفاده کرده و بسا اوقات طبق خاصیت انعطاف‌پذیری خود در واژه‌های مهمان، دخل و تصرف کرده و مطابق دستور زبان خود از آن‌ها استفاده کرده است. واضح است که ادبا و شاعران اردو زبان، مفاهیم موجود در واژگان بیگانه را دریافته و برای بهتر درک شدن آن‌ها، گاهی آن‌ها را به میل خود تغییراتی داده‌اند. در این مقاله بحث و بررسی چگونگی و صورت‌های مختلف این عمل با تقسیم‌بندی‌های لازم، در پنج بخش، به صورت مجزا صورت گرفته و در بخش پنجم که مربوط به تأثیرات زبان انگلیسی بر این زبان است، به دو بخش ذیلی تقسیم شده و تحت بررسی قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** اصطلاح ادبی، اکتساب، واژه‌های بیگانه، دخل و تصرف، انعطاف‌پذیری.

---

\* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی شماره ۴۶۰۸۰۲۸/۱/۱ مصوب دانشگاه تهران، با عنوان «واژه‌نامه توصیفی ادبی اردو به فارسی» است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

## مقدمه

واقعیت این است که زبان اردو همیشه از زبان‌های مقتدر بهره‌های فراوان برده است. شاید بتوان گفت، زبان اردو در طول حیات خود با زبان‌هایی که در زمینه‌های علمی و ادبی پیشرفت‌های قابل توجهی کرده‌اند، در ارتباط بوده و این ارتباط همیشه فرصت‌های اکتساب از آن سرمایه‌های علمی و ادبی و به ویژه در عرصه‌ی واژه‌ها و ترکیب‌های موجود را برای آن فراهم کرده است. از سویی، این زبان چنان به زیبایی موارد یاد شده را به خود جذب کرده و آن‌ها را بنابر قواعد دستوری و نحوی خود شکل داده است، که گویی این واژگان هیچ وقت از زبان دیگری وارد این زبان نشده‌اند و از آغاز از آن زبان اردو بوده‌اند.

بنابراین وقتی که زبانی در عمل اخذ سرمایه‌های ادبی، به ویژه واژه‌ها و اصطلاحات زبان‌های دیگر تا به این حد انعطاف دارد، به این مفهوم است که مردم این زبان توانسته‌اند، خود را با درک و فهم زبان وام دهنده وفق دهند. بنابراین، ساختار انعطاف‌پذیر زبان اردو، به مردمی که با آن زبان تکلم می‌کنند، این فرصت را داده است که به‌طور مثال درک یک فارسی زبان را از واژه‌ای که مربوط به زبان فارسی است و برای ذهن فارسی‌زبانان آشنا و قابل فهم است، از آن واژه و یا اصطلاح به‌طور کامل یا قسمتی از مفهوم آن را داشته باشند. در این روند، زبان اردو از زبان‌های زیادی اکتساب کرده است. از آن جمله می‌توان به زبان‌های هندی، سنسکریت، پنجابی، برج بهاشا، فارسی، عربی، انگلیسی و غیره اشاره کرد. البته زبان‌های بومی و منطقه‌ای در شبه قاره با زبان اردو غیر از شباهت در واژگان، در ساختار نیز شباهت‌های بسیاری دارند.

درباره‌ی دیگر زبان‌های یاد شده، غیر از زبان‌های بومی شبه قاره، این نکته را باید یادآور شد که اگر کلمه‌ای از آن‌ها در این زبان وارد شده، بار معنایی آن محدود به زمان سفر آن کلمه است و اگر در دوره‌های بعدی، تغییراتی در معنای آن کلمه در میهن واژه انجام پذیرفته، این دگرگونی فقط در موطن اصلی آن کلمه ایجاد شده و کمتر پیش آمده که آن تغییرات به زبان اردو هم رسیده باشد. با این وصف وقتی که واژه‌ای وارد زبان اردو می‌شود، از آن زمان به بعد مفاهیمی که اردو زبان‌ها بدان می‌دهند، در آن خطه برای آن کلمه مرسوم می‌شود. برای روشن‌تر شدن مطلب دو واژه که هم در زبان فارسی و هم در زبان اردو بکار برده می‌شوند را بررسی می‌کنیم:

۱- راه رو: این واژه در زبان اردو به عنوان یک صفت فاعل، به معنای «مسافر» است (چوهدری، ۱۳۷۵، ص ۳۱۲). و در فارسی هم، در زمان‌های گذشته به معنای «مسافر» به کار می‌رفته است. چنانچه در بیت معروف خواجه شیراز حافظ شیرین سخن می‌خوانیم:

ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی تا راهرو نباشی، کی  
راهبر شوی

اما امروزه در ذهن عموم مردم معنای دیگری که عبارت است از «محل عبور در ساختمان‌ها» جای گرفته است و کمتر مفهوم قدیمی آن به ذهن خطور می‌کند و این معنا برای اردو زبان‌ها به دلیل جدیدتر بودن نسبت به معنای قدیم‌تر، نا آشنا است.

۲- تراشه: چنانچه می‌دانیم امروزه در عرصه علوم رایانه، این واژه دارای مفهوم خاصی است. اما در اردو به معنی: «بریده» و یا «بریده جراید» می‌باشد. برداشت اردو زبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها، به دلیل دو معنای قدیم «بریده» و جدید «علوم رایانه‌ای» درباره این واژه به طور کامل جدا از یکدیگر است.

### بحث و بررسی

با در نظر داشتن مقدمه، بار دیگر به مبحث اصلی خود که همان اصطلاحات ادبی اردو است، می‌پردازیم.

بیشتر آرایه‌های ادبی، اصطلاحات نظم و نثر زبان فارسی و تا حدودی زبان عربی با همان مفهوم قدیمی خود در زبان اردو وارد شده و شعرا و ادیبان اردو زبان آن‌ها را بی‌هیچ تأملی در مباحث خود استفاده کرده و می‌کنند.

در باب ساختن اصطلاحات نقد ادبی ذکر این نکته ضروری است که شخصیت‌هایی چون: سراج‌الدین علی خان آرزو (۱۱۶۹-۱۰۹۹ ه.ق)، علامه شبلی نعمانی (۱۳۳۷-۱۲۷۴ ه.ق) و غیره در روزگاری که در ایران به تذکره و تذکره‌نویسی و در همین حد به اشعار و سبک آن‌ها پرداخته می‌شد، اقدام به نقد ادبی آثار بزرگان ادب فارسی کردند و در این زمینه کتابها و رسالات با ارزشی چون تنبیه الغافلین، مجمع النفایس، عطیه کبری، شعرالعجم و موازنة انیس و دبیر را به یادگار گذاشتند. بی‌شک این ارثیه ارزشمند به عنوان سنت در زبان اردو ادامه پیدا کرد و نقادان و ادیبان اردو زبان با حفظ میراث گذشتگان خود که درباره زبان فارسی و ادبیات آن، انجام گرفته بود، به غنای ادبیات اردو افزودند و صورت‌ها و جزئیات این تلاش‌ها و کوشش‌ها را، در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

برای این که با روشی ساده‌تر به این بررسی پرداخته شود،

واژگان و اصطلاحات ادبی موجود در زبان اردو را با توجه به نوع ریشه‌ی زبانی و برخی مواقع با توجه به نوع ساختار دستوری آن‌ها در زبان اصلی واژه، به صورت ذیل تقسیم‌بندی می‌کنیم:

الف: اصطلاحات ادبی که از زبان فارسی به این زبان راه یافته‌اند و همان بار معنایی مصطلح در فارسی را در زبان اردو هم با خود دارند.

ب: اصطلاحات ادبی که از نظر لغوی ساخت فارسی و یا عربی دارند، اما این ساخت در زبان فارسی و عربی بی‌معناست و به آن شکل رایج نیست.

ج: اصطلاحات ادبی که از زبان‌های بومی و منطقه‌ای شبه قاره در زبان اردو راه یافته و کاربردی شده‌اند.

د: اصطلاحات ادبی که ابداع شعرا و ادیبان زبان اردو است و در زبان‌های دیگر چنین اصطلاحاتی با آن بار معنایی وجود ندارد.

ه: اصطلاحات ادبی که از زبان انگلیسی و برخی از دیگر زبان‌های غربی، البته از طریق زبان انگلیسی وارد زبان اردو شده‌اند.

**الف: اصطلاحات ادبی که از زبان فارسی به این زبان راه یافته‌اند و همان بار معنایی مصطلح در فارسی را در زبان اردو هم با خود دارند.** چنانچه پیش از این هم گفته شد، در این بخش اصطلاحات ادبی بسیاری را می‌توان ملاحظه کرد. به دلایل مختلف سیاسی و فرهنگی در طول سده‌های متمادی از طریق زبان و ادبیات فارسی که به عنوان زبان درباری و حاکم بود، در محدوده‌ی زمانی قریب به هزار سال، سرمایه‌های ادبی بی‌شماری وارد خطه‌ی شبه قاره شد و در زبان و ادبیات اردو ماندگار شد و مورد استفاده‌ی ادیبان و شاعران آن خطه قرار گرفت. آرایه‌های ادبی، قالب‌های شعری، معانی، بیان و بدیع ادبیات فارسی همه و همه، همانند فارسی در اردو هم به‌کار گرفته شدند و آثار عظیمی با کمک آن‌ها ساخته و پرداخته شد و که این روند همچنان ادامه دارد.

قالب‌های شعری از قبیل قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی و غیره، با همان شکل و تعریف مورد استفاده واقع شده‌اند. غزل چنان در ادبیات اردو مقبولیت یافت که اگر شاعری غزل نمی‌سرود او را شاعر نمی‌نامیدند و در مشاعره‌ها بیش از هر چیز به خواندن و شنیدن غزل بها داده می‌شد.

علم بیان نیز در عرصه‌ی ادبیات اردو با همان نام‌های مصطلح فارسی که در دوره‌های گذشته ساخته و پرداخته شده بودند، در زبان و ادبیات اردو به کار برده شدند. در تمام کتاب‌هایی

نوشته شده درباره علم بیان، تشبیه، استعاره، حقیقت و مجاز، کنایه و ایهام و غیره، همان تعریف‌ها را دارند که در فارسی برای آن نوشته شده است. البته در کنار اقتباس‌های فارسی ترجمه‌های اردو هم نوشته می‌شود. آرایه‌های ادبی اعم از صنایع لفظی همانند: سجع، جناس، اشتقاق و غیره و نیز صنایع معنوی مثل: تضاد، تلمیح، و تضمین و... هم با مختصات موجود در کتاب‌های فارسی شناخته می‌شوند<sup>۱</sup>.

برای این دسته از اصطلاحات ادبی، به دلیل آشنایی خوانندگان محترم و شهرت آن‌ها نیازی به بسط و شرح و توصیف نیست و هدف از عنوان کردن آن‌ها فقط بیان این نکته بود که این بخش عمده‌ترین و بیشترین اصطلاحات ادبی را در خود جای داده است.

**ب: اصطلاحات ادبی که از نظر لغوی ساخت فارسی و یا عربی دارند، اما این ساخت در زبان فارسی و عربی معنایی ندارد و به این شکل در این زبان‌ها رایج نیستند.**

پیش از این اشاره شد که اشخاصی چون سراج‌الدین علی خان آرزو، میرزا مظهر جان جانان (۱۷۸۱-۱۷۰۱)، علامه شبلی نعمانی و دیگران، آثار ارزشمندی درباره نقد ادبی از خود به یادگار گذاشته‌اند، که امروزه برای ادیبان و دانشمندان زبان اردو به عنوان الگو پذیرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. تعداد این اصطلاحات نیز بسیار زیاد است که در اینجا فقط به ذکر چند اصطلاح بسنده شده، زیرا هدف این است که چگونگی نگرش اردو زبانان به واژه مورد نیاز خود و نیز مهارت آن‌ها در زبان فارسی نشان داده شود. مطالعه و بررسی در این مورد برای این است که ملاحظه شود آن‌ها برای بیان مقاصد خود چگونه از یک کلمه فارسی، اصطلاحی را وضع کرده‌اند و مفهوم مورد نظر خود را به وسیله آن واژه به ظاهر فارسی بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه اصطلاحات آمد، آورد، چمن‌بندی، معامله‌بندی و ریخته را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

آمد: چنانچه مشاهده می‌شود، یک فعل ماضی ساده، سوم شخص مفرد از مصدر لازم «آمدن» را در پیش رو داریم. در تعریف آن چنین می‌خوانیم:

---

۱- برای مطالعه بیشتر در موارد ذکر شده، به کتاب‌های البیان، البدیع و اسلوب، نوشته سید عابد علی عابد مراجعه شود.

آمد، آمدن مصدر سے ہے جس کا مطلب ہے آنا۔ بلاکوشش ذہن میں آنے اور خیالات کے پی در پی پیدا ہونے اور کلام کے خود رو، بے ساختہ، تکلف سے عاری اور بناوٹ سے خالی ہونے کے لیے یہ ادبی اصطلاح مستعمل ہے۔

یعنی: «آمد از حاصل مصدر از مصدر آمدن است و مفہوم آن این است کہ مطالب و مضامینی کہ بدون کوشش، بہ صورت پی در پی بہ ذہن وارد شوند و در صورتی کہ شعر خالی از تکلف باشد و فی البداہہ بہ ذہن برسد، این اصطلاح ادبی مورد استفادہ قرار می‌گیرد» (نوری، ۱۹۹۰، ص ۲۱). البتہ در «ادبی اصطلاحات» در این مورد آمدہ است:

افلاطون تخلیق نون کے القائی نظریے کا قائل تھا۔ اس کے نزدیک شاعری ایک لمحہ استغراق ہے جو اس کو زائل کر دیتا ہے۔ شاعر کی روح پر دیویوں کا قبضہ ہوتا ہے۔ اس نظریے کا حاصل آمد ہے۔

یعنی: «افلاطون معتقد بہ نظریۃ القایۃ در خلق اثر ہنری بود۔ بہ نظر او شاعری لحظہ استغراق است کہ موجب زوال حواس می‌شود و رب النوع‌ها روح شاعر را قبضہ می‌کنند۔ حاصل این نظریہ «آمد» است» (جمال، ۱۹۹۸، ص ۲)۔

می‌بینیم کہ طبق تعریف اول، ہر گاہ شعری بدون سعی و تلاش و دقت در کلمات و وزن آن‌ها بہ ذہن شاعر برسد آن را «آمد» می‌نامند۔ در فارسی در برابر این واژہ اصطلاح «شعر جوششی» را بہ کار می‌بریم۔

آورد: این کلمہ نیز مانند «آمد»، یک فعل ماضی سادہ، سوم شخص مفرد کہ از مصدر متعدی «آوردن» ساختہ شدہ است۔ در کتاب‌های یاد شدہ، دربارهٔ این اصطلاح چنین می‌خوانیم:

اس کے برعکس آورد، آوردن مصدر سے ہے، جس کا مطلب ہے لانا۔ فطری تقاضے کے بغیر، کاوش سے کسی بات کے طبیعت میں لانے اور تکلف سے شعر کہنے اور کلام میں گھڑت اور بناوٹ ہونے کے لیے یہ ادبی اصطلاح مستعمل ہے۔

یعنی «برعکس آن [آمد]، حاصل مصدر از مصدر آوردن است و مفہوم آن بدون مقتضای طبیعی، آوردن مطلبی بہ ذہن و سرودن شعر با تکلف، توأم با حالت ساختگی، این اصطلاح مورد استفادہ قرار می‌گیرد» (نوری، ۱۹۹۰، ص ۲۱)۔ اینجا ہم مشاہدہ می‌شود کہ ما در برابر این اصطلاح تقریباً از اصطلاح «شعر کوششی» استفادہ می‌کنیم۔

حال اصطلاحات ذکر شدہ را از دیدگاہی مورد بررسی قرار می‌دہیم کہ ادیبان اردو زبان، از مصادر آمدن و آوردن فارسی

با سادگی و معصومیت کامل و در عین حال با دقت و فکر کافی برای بیان دو حالت مختلف از سرایش شعر که از مباحث مورد اختلاف اهل فن است، استفاده کامل کرده اند. توجه داشته باشید که اصطلاح «آمد» یک فعل لازم است و نیازی به فاعل ندارد و تا حد زیادی بیانگر همان مفهوم «شعرجوشی» در فارسی است و در این اصطلاح هم جوشش همان مفهوم آمد را دارد. برعکس در اصطلاح «آورد» که ریشه آن یک مصدر متعدی است و گویای مفهوم «شعر کوشی» است، نیاز به فاعل بدیهی است.

چمن‌بندی: در نگاهی به ظاهر ترکیب هیچ‌گاه نمی‌توان حدس زد که این ترکیب اصطلاحی ادبی است. چون در ظاهر چیزی جز بستن چمن نمی‌بینیم. چمن و مفاهیم انتزاعی آن از جمله گل و بلبل و سرو و شمشاد و غیره در گستره ادب و هنر از فارسی به ادبیات و هنر اردو راه یافته است. و به سادگی کوشش در آوردن چمن (گلستان) و ملزومات آن را در شعر «چمن‌بندی» خوانده اند:

شعر میں چمن اور اس کے لوازمات کے حوالے سے کسی معنی و مفہوم کو بیان کیا جائے۔

(اکرام، ۱۹۹۹، ص ۸۸). برای مثال بیتی از میرزا اسدالله خان غالب (۱۷۹۷-۱۸۶۹) را در ذیل می‌آوریم:

چتر کے ہے شبنم آئینہ برگ گل پر آب اے عندلیب وقت وداع بہار ہے

[شبنم، بر آئینہ برگ گل، آب افشانده، ای عندلیب وقت وداع بهار است.] (غالب، ۱۹۹۹، ص ۱۸۲).

معامله‌بندی: دیگر ترکیب جالب توجه که از ابداعات اردو زبانان است، این ترکیب است. همانند ترکیب قبلی از این ترکیب هم هیچ‌گاه گمان یک اصطلاح ادبی نمی‌رود. اما این ترکیب، از جمله ترکیب‌های بسیار متداول و پرمعنی در عرصه نقد ادبی اردو است. به ذهن یک فارسی‌زبان از واژه «معامله» مفهوم داد و ستد، خرید و فروش و تجارت خطور می‌کند و ترکیب آن با پسوند «بندی» که از مصدر «بستن» ساخته شده، به هیچ وجه مفهوم واضحی را در پی ندارد. از سویی شاید جالب باشد تا بدانیم این ترکیب از روی ترکیب‌هایی از این منوال مانند «کلمه‌بندی» و «استخوان‌بندی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص ۳۴) که در عرصه نقد ادبی اردو در روزگاران پیشین در آن خطه توسط ادیبان و شاعران ساخته و پرداخته شده؛ ساخته شده است.

معنی معامله‌بندی در «کتاب اردو کی شعری اصناف»، چنین آمده است:

## کلام میں عشق مجازی کے راز و نیاز، عاشق و معشوق کے درمیان آنے والے وصل کے معاملات کے ذکر کو، معاملہ بندی کہتے ہیں۔

یعنی «راز و نیاز میان عاشق و معشوق در عشق مجازی و امور وقایع پیش آمدہ بین آنہا را معاملہ بندی می گویند» (اکرام، ۱۹۹۹، ص ۱۰۷). همچنین علامہ شبلی نعمانی دربارہ آن می گوید:

**عشق و ہوس مجازی میں جو جو حالات پیش آتے ہیں، ان کے ادا کرنے کو وقوع کہتی کہتے ہیں۔ اہل لکھنؤ نے اس کا نام معاملہ بندی رکھا ہے۔**

یعنی: «بیان حالاتی را کہ در عشق و ہوس مجازی پیش می آیند «وقوع گویی» می گویند و اہل لکھنؤ آن را معاملہ بندی گفته اند» (حفیظ صدیقی، ۱۹۸۵، ص ۱۸۱). ساخت «معاملہ بندی» و «چمن بندی» ہم اگر چہ بہ ظاہر فارسی است، اما بار معنایی آن بیشتر برای اردو زبان ہا معلوم است.

ریختہ: با مشاہدہ این کلمہ آنچہ بہ ذہن ما می آید، چیزی جز مصدر «ریختن» و صفت مفعولی «ریختہ شدہ» و یا فعل ماضی (نقلی یا بعید) از آن مصدر نیست. اما این واژہ در ادبیات اردو با قدمت بسیار، معانی و مفہیم زیادی را بہ خود گرفتہ است. در معنای اصطلاحی گفتہ می شود اولین بار توسط امیر خسرو دہلوی (وفات ۷۲۵ ہ.ق) در این مفہوم بہ کار بردہ شد:

ریختہ، امیر خسرو نے موسیقی کی اصطلاح کے طور بھی استعمال کیا ہے۔ اس اصطلاح کا مفہوم یہ ہے کہ جو فارسی خیال ہندی کے مطابق ہو اور جس میں دونوں زبانوں کے ایک تال اور راگ میں بندھے ہوں اس کو ریختہ کا نام دیا گیا۔

«ریختہ را امیر خسرو بہ عنوان اصطلاح موسیقی ہم استفادہ کرد، مفہوم این اصطلاح این است کہ، ہر گاہ آہنگ منظمی از ریتم های مختلف فارسی با ریتم های ہندی در یک دستگاہ نواختہ شدہ و بہ آواز خواندہ شود، آن را ریختہ می نامند» (سندھی، ۱۹۹۲، ص ۱۱). با گذشت زمان این کلمہ مفہوم اصطلاحی جدیدی بہ خود گرفت. یعنی بہ شعری اطلاق شد کہ یک مصرع یا نصف مصرع آن بہ فارسی و یک مصرع یا نصف مصرع دیگر بہ ہندی سرودہ شدہ بود. زمانی «ریختہ گویی» برابر سرودن شعر بہ زبان اردو بود. چون ہنوز زبانی کہ امروزہ بہ نام اردو شناختہ می شود، نام اردو بہ خود نگرفتہ بود و ہندی یا ہندوی و ہندوستانی خواندہ می شد، بہ اسم «زبان ریختہ» ہم موسوم بود. شاہ سعداللہ گلشن (وفات ۱۷۲۸ ہ.ق) طی توصیہ ای کہ بہ یکی از مریدان خود بہ نام محمد ولی دکنی بہ زبان فارسی کردہ است، (۱۷۴۴-۱۶۶۸) چنین

می‌گوید: «این همه مضامین فارسی که بیکار افتاده‌اند، در ریخته خود بکار گیر از تو که محاسبه خواهد گرفت» (سلیم اختر، ۱۹۹۱، ص ۸۷). چنانچه ملاحظه شد، اصطلاحات یاد شده اگر چه ظاهری فارسی داشتند، اما مفهومی را که نزد اردو زبانان داشته و دارند، به هیچ وجه برای ما مفهوم نیست.

### ج: اصطلاحات ادبی که از زبان‌های بومی و منطقه‌ای شبه قاره در زبان اردو راه یافته و کاربردی شده‌اند.

با توجه به موطن زبان اردو، در استفاده از میراث ادبی و اصطلاحات مربوط به آن منطقه؛ در مقایسه با تأثیرپذیری آن از زبان‌های غیر بومی دیگر، اصطلاحاتی که از ایران و فرهنگ ایرانی-اسلامی به زبان اردو راه یافته‌اند و یا در دو سده اخیر از زبان‌های غربی وارد این زبان شده‌اند، کمترین میزان اخذ و اکتساب را مشاهده می‌کنیم. اگرچه باید گفت که فرهنگ و آداب و سنن منطقه‌ای خواسته و ناخواسته در زبان اردو وارد شده است که در اینجا مراد فقط اصطلاحات ادبی است.

در این بخش به بحث و بررسی در اصطلاحات: سهرای، مکرنی و گیت، پرداخته خواهد شد. لازم به توضیح این نکته است که، اینکه این اصطلاحات از کی وارد زبان اردو شده‌اند؟ زمان ورود این اصطلاحات به درستی معلوم نیست، در این جا نیز مجال فرصت پرداختن به این مسئله وجود ندارد و فقط می‌توان گفت که این اصطلاحات و اصطلاحاتی از این دست، همان ارثیه‌های زبان‌های منطقه‌ای و بومی کهن‌تر از زبان اردویند که بعدها در این زبان هم بکار گرفته شده‌اند.

**سهرای:** اسم مذکری است که از زبان هندی به این زبان وارد شده است. معنای لغوی آن چنین است: «رشته‌هایی از گل که داماد در شب عروسی زمانی که با خویشاوندان و دوستان خود به خانه عروس می‌رود، بر پیشانی خود می‌بندد» (نقوی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۱). در اصطلاح ادبی به شعری را که خطاب به داماد به عنوان تهنیت و مبارک باد سروده می‌شود، را سهرای می‌نامند. سهرای عموماً در قالب قصیده سروده می‌شود و در آن از داماد و اطرافیان او تعریف و تمجید می‌کنند. این سروده توسط خوانندگان و آوازه‌خوان‌ها خوانده می‌شود (ر.ک به حفیظ صدیقی، ۱۹۸۵، ص ۱۰۵).

**گیت:** اسم مذکر مأخوذ از زبان هندی است و به قالب شعری اطلاق می‌شود که در آن بیشتر به موسیقی کلمات توجه می‌شود (همان، ص ۱۵۴). این شعر دارای قالب خاصی نیست و ترتیب قافیه‌ها و تعداد ابیات و نیز کوتاهی و بلندی مصراع‌ها بیشتر به شاعر

وابسته است. در این نوع شعر کوشش بر این است که از واژه‌های فارسی و عربی کمتر استفاده شود و برای آهنگین شدن آن، واژه‌های هندی و زبان‌های وابسته بیشتر به کار می‌روند. در ادبیات هندی شاعر از زبان یک زن نسبت به مرد خود اظهار عشق می‌کند (ر.ک به هاشمی، ۲۰۰۳، صص ۷۳-۷۱).

**مکرنی:** به ضم میم، اسم مؤنث هندی است. درباره آن در نوراللفات چنین آمده است:

ایک قسم کی ہندی چومصری پہیلی، جس میں پہلے کسی چیز کا اشارہ کر کے پھر اس سے منکر ہو کر اس مضمون کو کسی اور چیز کی طرف منسوب کر دیتے ہیں۔ اس کے موجود امیر خسرو ہیں۔

یعنی: «مکرنی نوعی چیستان چہار مصرعی ہندی است کہ ابتدا بہ چیزی اشارہ می‌شود و سپس انکار قرار می‌شود و کلام بہ سوی مطلب دیگری سوق داده می‌شود. بانی آن امیر خسرو است» (نورالحسن نیر، ۱۹۸۹، ج ۳ و ۴، ص ۱۳۱۷).

**د:** اصطلاحات ادبی کہ ابداع شاعران و ادیبان زبان اردو می‌باشند و در زبان‌های دیگر چنین اصطلاحاتی با آن بار معنایی وجود ندارد.

این دسته از اصطلاحات ادبی اردو، واژه‌هایی هستند کہ کلمات فارسی یا عربی است با توجه بہ قواعد و دستور زبان اردو تغیر شکل داده و برای مفہومی ادبی مورد استفاده واقع شده‌اند. نمونہ‌هایی کہ در این بخش بہ بررسی آن‌ها پرداختہ خواهد شد عبارت از: **تہنید**، **تأرید**، ریختی و مراختہ است.

**تہنید و تأرید:** این دو اصطلاح از این جنبہ جالباند کہ اردو زبان‌ها اسامی «ہند» و «اردو» را بر وزن تفعیل صرف کردہ و این اصطلاحات را ساختہ‌اند. درباره واژہ «ہند» کہ خود یک اسم ثلاثی است، چنین گفتہ می‌شود کہ این اسم بر خطہ جغرافیایی ہند نیز توسط اعراب نہادہ شدہ است. بنابراین ساختن اصطلاح تہنید چندان دور از ذہن نیست و می‌تواند گویای این باشد کہ ہرگاہ واژہ‌ای بیگانہ را در زبان ہندی شکل دہند، این عمل را تہنید می‌گویند (ر.ک بہ صدیقی، ۱۹۸۵، ص ۲۸۱). اما در واژہ اردو کہ اصلاً یک کلمہ ترکی، بہ معنای لشگر و لشگرگاہ است (نورالحسن نیر، ۱۹۸۹، ج ۱ و ۲، ص ۲۸۱)؛ صرف آن در باب تفعیل کمی دور از ذہن و حتی از لحاظ قاعدہ زبان عربی اشتباہ است. بہ ہر صورت این واژہ در این معنا کہ ہرگاہ واژہ‌ای بیگانہ را در زبان اردو شکل دہند، مصطلح شدہ و بکار می‌رود (ہمان، ص ۲۵). ناگفتہ نماند کہ اصطلاحات «تفریس» بہ معنای «فارسی کردن» و «تعریب» بہ معنای «عربی کردن» پیش از آن رایج بودہ است.

**ریختی:** در بخش دوم این مبحث درباره «ریخته» به اندازه کافی صحبت شده است و گفته شده است که ریخته به شعری که به زبان اردو سروده شده اطلاق می‌شد. حال این نکته را بدان می‌افزاییم که در ریخته هیچ اختصاصی به مذکر یا مؤنث بودن شاعر یا محبوب وجود ندارد. البته به صورت نمادین و دوری از ابتذال تمام افعال برای مرد به نظر می‌رسد. در حالی که ریختی که در اصل تأرید اصطلاح «ریخته» بوده و یک اسم مؤنث است، به شعری اطلاق می‌شود که:

### ریختی کا مقصد یہ ہے کہ عورتوں کی زبان میں عورتوں کے جذبات ادا کیے جائیں۔

یعنی «مراد از ریختی این است که احساسات زنان به زبان زنان ابراز شود» (صدیقی، ۱۹۸۵، ص ۹۴). گویا چون ریخته ظاهری مردانه داشت، برخی از شعرای اردو زبان کوشیدند، در مقابل آن نوعی از بیان شعری ایجاد کنند که هم علامت تأنیث داشته باشد و هم در آن در مورد زنان از زبان زنان صحبت بشود. در این باره بایسته یادآوری است که اوضاع فرهنگی هندوستان در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری قمری به گونه‌ای بود که جامعه به علل گوناگون دچار انحطاط اخلاقی شده بود و هم شعرا و هم گروهی از مردم عیاش به سوی این گونه کارهای مبتذل کشیده شدند و در نتیجه چنین اقداماتی از آنها سر زد. در این باره ذکر این نکته ضروری است که این انحطاط ادبی صورت‌های دیگری نیز داشت که برای اجتناب از طول سخن به آنها نمی‌پردازیم.

**مراخته:** بر وزن مفاعله از دیگر ابداعات ادیبان اردو زبان است. معنای آن همان مشاعره است، اما چون کلمه مشاعره به مجلسی که در آن اشعار فارسی می‌خواندند، اطلاق می‌شد، بنابراین برای تشخیص این که مجلس مشاعره به چه زبانی خواهد بود در برهه‌ای از تاریخ، اصطلاح مراخته به منظور بیان این که مجلس مورد نظر به زبان ریخته (اردو) است، مورد استفاده قرار گرفته است (همان، ص ۱۶۹).

چنانچه ملاحظه می‌شود شاعران و ادیبان اردو زبان هیچ ابائی از دخل و تصرف در واژه‌های دیگر زبان‌های بیگانه نداشته‌اند و به راحتی آنها را تغییر داده و بنابر مقتضیات زبان اردو به کار برده‌اند و بدین گونه به غنای زبان خود افزوده‌اند.

ه: اصطلاحات ادبی که از زبان انگلیسی و بعضاً از دیگر زبان‌های غربی، توسط زبان انگلیسی به زبان اردو وارد شده‌اند.

در این بخش، اصطلاحات ادبی که تحت تأثیر زبان و ادبیات

انگلیسی وارد زبان اردو شدہ اند مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد۔ این اصطلاحات اغلب بعد از تسلط بریتانیا به هندوستان در دو سده گذشته میلادی در زبان و ادبیات شبه قاره جای گرفته‌اند۔ علل و اسباب این عمل را در مبحثی جداگانه در مقاله‌ای جداگانه باید بررسی کنیم۔

این دسته از اصطلاحات ادبی را ابتدا به دو دسته تقسیم کرده و سپس هر دسته را به طور مختصر و جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم۔

۱- اصطلاحات ادبی انگلیسی که معادل اردو ندارند و توسط دانشمندان و علمای زبان اردو ترجمه شده و معادل‌سازی شده‌اند۔ از میان خیل این گونه اصطلاحات، به اصطلاحات ذیل بسنده می‌شود۔ Essay, Universality و Parody۔

Universality در فارسی جامعیت و کلیت ترجمه شده است (گری، ۱۳۸۲، ص ۳۴۲)۔ و همچنین واژه Universal در کتاب انواع ادبی «جهان» معنی شده است (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۵۲) که با توجه به آن شاید بتوان Universality را «جهانی» معنی کرد۔ به عنوان یک اصطلاح در مورد آن چنین گفته شده است: «کیفیتی که سبب می‌شود، هنر و ادبیات متعالی موقعیت زمانی و مکانی خود را چنان تغییر دهد که توجه تمام انسان‌ها را جلب کند» (گری، ۱۳۸۲، ص ۳۴۲)۔ در زبان اردو هم «آفاقیت» ترجمه شده است و توضیح آن چنین بیان شده است:

ادبی اصطلاح کے طور پر، آفاقیت کا مفہوم یہ ہے کہ نظم یا نثر کے پیرائے میں، ایسے حقائق، ایسے مسائل اور ایسے معاملات کو پیش کرنا یا ان سے بحث کرنا، جن کا تعلق پوری دنیا اور عالم انسانی کے ساتھ ہو۔

یعنی: «به عنوان اصطلاح ادبی مفهوم آفاقیت ارائه و بحث در حقایق، مسائل و اموری در لباس نظم و نثر است که به تمام دنیای بشری وابسته باشد» (نوری، ۱۹۹۰، ص ۱۷)۔ گویا «آفاقیت» در زبان اردو و «جهانی» ترجمه دکتر شمیسا گویاتر و روشن‌تر از «جامعیت و کلیت» ترجمه خانم منصوره زاده است۔

Essay در زبان اردو، «انشائیہ» ترجمه شده و چنین بیان شده است:

نثر پارہ جس میں مختلف پہلوؤں سے کسی خیال یا قائم کردہ رائے یا ذاتی مشاہدے یا تجربے کو ٹوٹا اور پرکھا جائے۔ انشائیہ عموماً مختصر ہوتا ہے۔

یعنی: «نوشته منثوری که در آن از جنبه‌های مختلف تصور و نظریه از پیش تعیین شده یا مشاهده و تجربه شخصی را مورد بررسی

و تفحص قرار دهند. مقاله عموماً مختصر می‌باشد» (سهیل احمد خان، ۲۰۰۵، ص ۷۶). در زبان فارسی آن را «مقاله» ترجمه کرده و در توضیح آن گفته شده است: «نوشته تقریباً کوتاهی است به نثر که از موضوع خاصی بحث می‌کند، یا فکری را تبلیغ می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۲۸۱).

در اینجا هم باید ذهنیت ایجاد شده از دو واژه معادل این اصطلاح در فارسی و اردو مورد توجه باشد. معمولاً وقتی می‌گوییم «مقاله» ذهن فوراً به یک عمل توأم با تحقیق و مستندات علمی نزدیک می‌شود. در حالی که «انشاییه» ما را به نوشته‌ای که از ذهن ما در مورد یک مورد خاص تراوش می‌کند و کمتر به مستندات و اقتباس‌ها پرداخته می‌شود، رهنمون می‌شود. در این که کدام ترجمه بهتر است با توضیح ارائه شده انتخاب به خوانندگان محترم واگذار می‌شود.

Parody در فارسی «نقیضه» معنی شده و در تعریف آن گفته شده است: «پارودی که در قدیم آن را نقیضه می‌گفتند و برخی نظیره طنزآمیز ترجمه کرده‌اند، شعری است که به تقلید شعر دیگر گفته شده و مبتنی بر طنز و هزل است و در حقیقت اثر دومی، اثر اولی را به سخره گرفته است» (همان، ص ۲۴۴). در اردو «تخریف» ترجمه شده و درباره آن گفته شده:

کسی بخنده کلام میں، شعوری طور پر مسخر کر پیلوید اکا تخریف کہلاتا ہے؛ جسے انگریزی میں  
پیروڈی کہتے ہیں۔

یعنی: «مسخره گونه‌ای از یک اثر سنجیده را در اصطلاح ادبیات تخریف می‌گویند، که در انگلیسی پارودی گفته می‌شود (اکرام، ۱۹۹۹، ص ۸۲). در مقایسه معادلات ذکر شده برای این اصطلاح، واضح است که معادل فارسی نزدیک‌تر به مفهوم بیان شده در توصیفات است.

در اینجا ذکر این نکته هم ضروری است که امروزه در زبان اردو کلمه پارودی که اغلب هم، به این اسم شناخته می‌شود، مقبولیت خاصی دارد و شاعران بزرگی در این عرصه قدرت‌نمایی می‌کنند.

۲- اصطلاحات ادبی انگلیسی که عیناً وارد زبان و ادبیات اردو شده‌اند و با همان تلفظ انگلیسی مصطلح شده‌اند.

انعطاف‌پذیری بیش از حد زبان اردو موجب شده است که مهاجرت واژگان و یا اخذ آگاهانه آن‌ها هیچ مشکلی در درک فهم آن واژه

برای مردم اردو زبان و بخصوص طبقه عالم و دانشمند ایجاد نشود. در گفتار روزمره، اخبار، مطبوعات، مباحث علمی و کتاب‌های مختلف و سخنرانی‌ها، موارد بسیاری مشاهده می‌شود که واژگان زبان انگلیسی به تعداد وافری مورد استفاده قرار می‌گیرند و جالب آن است که مخاطبان هر کدام نیز کم و بیش آن‌ها را می‌فهمند و درک می‌کنند. در عرصه ادبیات اردو هم این کلمات بیگانه از دو سده گذشته توسط دانشمندان و اهل ادبیات اردو مورد استفاده قرار می‌گیرند. تعداد آن‌ها زیاد است و روز به روز به تعداد آن‌ها افزوده هم می‌شود. در ادامه فقط به بحث و بررسی واژه‌های Fiction و Setting می‌پردازیم.

**Setting:** در فارسی «زمینه» معنی شده و در مورد آن گفته شده است که: «زمینه اثر به تصویر کشیدن اوضاع و احوال است که باعث آشنایی خواننده با شخصیت‌های داستان می‌شود و خواننده نسبت به قهرمانان شناخت و آگاهی کسب می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱). در فرهنگ اصطلاحات ادبی «صحنه‌آرایی» ترجمه شده است (گری، ۱۳۸۱، ص ۲۹۷). این اصطلاح در زبان اردو چنین توصیف شده است:

**اس اصطلاح کو مختلف حیثیتوں سے استعمال کیا جاتا ہے۔ ان میں سے ایک حیثیت کا تعلق کہانی کی اس مجموعی حیثیت سے ہے جس کے مختلف اجزاء کا بحیثیت مجموعی پوری کہانی کا ایک وژن تصور قائم کرتا ہے۔**

یعنی: «این واژه با دو جنبه مختلف هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن میان یکی از جنبه‌ها به آن جنبه کلی داستان مربوط است که، اجزای مختلف آن یا به طور کلی، یک دیدگاه کامل از داستان را ایجاد می‌کند» (عظیم، ۱۹۶۱، ص ۱۳۷). زمینه یا صحنه‌آرایی در فارسی همان توضیح را دارد که در اردو برای **Setting** نوشته شده است. شاید بتوان پیشنهاد کرد که در اردو هم «زمینه» به عنوان معادل این اصطلاح مورد استفاده قرار گیرد.

**Fiction:** این واژه در زبان فارسی «داستان تخیلی و داستان غیر واقعی معنی شده است. در انواع ادبی می‌خوانیم: «در اصل به روایاتی که بیشتر جعلی و افسانه‌ای باشد تا حقیقی و تاریخی و مستند، فیکشن گویند... اما امروزه فیکشن را کلاً به روایت‌های منثور (داستان بلند و کوتاه) اطلاق می‌کنند» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳). در ادبیات اردو برای این اصطلاح معادلی وضع نشده است و اگر هم زمانی کلمه‌ای ساخته شده، به دلیل عدم مقبولیت، خیلی زود فراموش شده است. در کتاب منتخب ادبی اصطلاحات می‌خوانیم:

## لکشن جس لاطینی لفظ سے مشتق ہے، اس کا مطلب گھڑنا یا بنانا ہے۔ لکشن کو گھڑت یا ساختانہ کہہ سکتے ہیں۔

یعنی: «مراد از آن واژه لاتینی کہ، فیکشن از آن مشتق شده است، ساختن است. فیکشن را می‌توانیم جعل یا مصنوع بدانیم. در اصل در زبان اردو برای آن معادلی وجود ندارد» (سہیل احمد خان، ۲۰۰۵، ص ۸۹).

با توجه به اینکه تعداد این اصطلاحات در ادبیات اردو بسیار زیاد است و اهل علم و ادب در اردو هم آن‌ها را بدون تأمل در عرصه ادبیات به کار می‌گیرند. شاید بتوان گفت که متأسفانه انگلیسی روز به روز بیشتر در ادبیات اردو رخنه می‌کند. برای بازیافت جایگاه والای گذشته زبان فارسی در زبان‌های شبه قاره و به ویژه زبان اردو، باید از سوی دانشمندان و ادب‌دوستان و مسئولان امر تلاش‌های مضاعفی انجام شود.

### نتیجہ گیری

طبق تقسیمات پنج‌گانه ملاحظه شد که ادبیات اردو بیش از هر ادبیاتی، از ادبیات شیوا و پر محتوای فارسی استفاده کرده است و در جایی که اصطلاح فارسی را عیناً مورد استفاده قرار نداده، با کمک واژه‌های پر بار فارسی اصطلاح‌سازی کرده و برای بیان مقصود استفاده کرده است.

در بخش دیگر عنوان شد که در عرصه ادبیات عمل اخذ اصطلاحات از زبان‌های بومی توسط زبان اردو کمتر بوده و دلیلی که اینجا برای این عمل بهتر است ذکر شود، این است که اردو به عنوان زبان مشترک مسلمانان شبه قاره، بدینوسیله فردیت خود را در برابر دیگر زبان‌های بزرگی چون هندی و سنسکریت و دیگر زبان‌ها حفظ کرد.

در ادامه بحث قدرت ابداع و ابتکار ادیبان اردو زبان ملاحظه شد و گفته شد که بنابر نیاز زمانه اصطلاحات جدید ادبی ساخته شد که در دیگر ادبیات‌های مرتبط با آن وجود نداشت.

زبان انگلیسی و تأثیرات آن هم، آن چنان در حال رشدند که بد نیست بگوییم امروزه نه تنها واژه‌های انگلیسی که برخی مواقع جملات کامل و مقوله‌هایی از آن زبان، عیناً در ادبیات اردو به خصوص در دنیای شعر و شاعری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای حفظ روابط خوب زبان فارسی و زبان اردو که زمانی به دختر زیبای فارسی تعبیر شده بود، سزااست که تلاش‌های عمده‌ای در

افزایش ارتباطات چون گذشته صورت بگیرد.

### منابع

- ۱- اکرام، خواجه، *اردو کی شعری اصناف*، دهلی، دریاگنج، ۱۹۹۹.
- ۱- جمال، انور، *ادبی اصطلاحات*، لاهور، نیشنل بک فاؤنڈیشن، طبع دوم، ۱۹۹۸.
- ۲- چوهدری، شاهد، *فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- سلیم اختر، *اردو ادب کی مختصرترین تاریخ*، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۱۹۹۱.
- ۴- سندهی، میمن عبدالمجید، *لسانیات پاکستان*، اسلام آباد، مقتدره قومی زبان، ۱۹۹۲.
- ۵- سهیل احمد خان، سلیم الرحمن، *منتخب ادبی اصطلاحات*، لاهور، ۲۰۰۵.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمد رضا، *شاعری در هجوم منتقدان*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۵.
- ۷- شیسای، سیروس، *انواع ادبی*، ویرایش سوم، تهران، انتشارات فردوس، چاپ نهم، ۱۳۸۱.
- ۸- صدیقی، ابوالاعجاز حفیظ، *کشاف تنقیدی اصطلاحات*، اسلام آباد، مقتدره قومی زبان، ۱۹۸۵.
- ۹- عظیم، سید وقار، *فن افسانه‌نگاری*، اردو مرکز گنپت رود، دوسرا ادیشن، ۱۹۶۱.
- ۱۰- غالب، میرزا اسدا... خان، *دیوان غالب*، تصحیح متن و ترتیب، حامد علی خان، لاهور، الفیصل ناشران و تاجران کتب، ۱۹۹۵.
- ۱۱- گری، مارتین، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، ترجمه، شریفزاده، منصوره، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳.
- ۱۲- نقوی، سید با حیدر شہریار، سروش، سید نصرالله، *فرهنگ اردو-فارسی*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳.
- ۱۳- نورالحسن نیر، مولوی، *نوراللغات*، ۴ ج، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۱۹۸۹.
- ۱۴- نوری، محمد فخرالحق، *منتخب ادبی اصطلاحین*، لاهور، پولیمر پبلی کیشنز، ۱۹۹۰.
- ۱۵- هاشمی، رفیع‌الدین، *اصناف ادب*، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۰۳.